

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

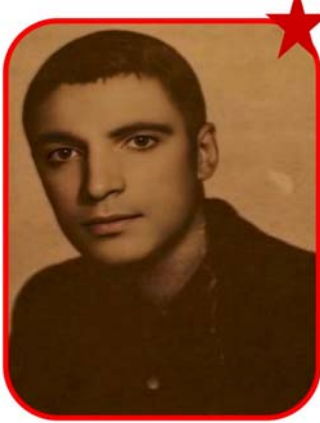
Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۰ اپریل ۲۰۲۴

درباره زندگی رفیق خسرو تره گل



فدائی خلق، رفیق خسرو تره گل کمونیست جوان پیگیری بود که زندگی اش را کاملاً در خدمت مبارزه برای تحقق آرمان‌های انقلابی طبقه کارگر قرار داده بود. او در بهار ۱۳۳۴ در شهر بروجرد در یک خانواده رنج‌دیده و زحمت‌کش چشم به جهان گشود و چون خانواده اش از بروجرد به همدان نقل مکان کردند، مدت زیادی از زندگی کوتاهش را در این شهر گذراند. زندگی رفیق خسرو ترگل واقعاً کوتاه بود؛ چرا که رژیم ددمنش شاه در حالی که تنها بیست بهار از زندگی او گذشته بود، وی را به همراه رفیق حسین سلاحی به جوخه اعدام سپرد و خبر ریختن خون این فرزند دلیر مردم ایران را در ۳۱ خرداد-جوزا-۱۳۵۴ با درج خبر کوتاهی در روزنامه‌های جیرمخوارش اعلام نمود.

رژیم دیکتاتور و وابسته به امپریالیسم شاه که هیچ صدای مخالفی را بر نمی‌تابید در شرایطی رفیق خسرو را در بیست سالگی تیرباران نمود که وی در خرداد-جوزا-۱۳۵۳ در همدان دستگیر و پیش از مرگ توسط دژخیمان رژیم شاه به طور وحشیانه ای شدیداً شکنجه شده بود. یکی از شکنجه‌های اعمال شده به این جوان انقلابی این بود که شکنجه‌گران، وی را روی تخت فلزی خوابانده و با گذاشتن یک دستگاه سوزاننده (هیتر) زیر تخت برای مدت طولانی بدن او را سوزاندند. به گفته دوستان رفیق خسرو در زندان قصر، شدت زخم‌های ایجاد شده در بدن وی به حدی بود که حتی بعد از گذشت یکسال باز هم وی مجبور بود به‌طور مرتب جای سوختگی‌های بدنش را پانسمان کند.

رفیق خسرو همراه با رفیق حسین سلاحی از جمله جوانان انقلابی بودند که با شروع جنبش مسلحانه به حمایت از این جنبش و چریک‌های فدائی خلق برخاسته بودند. هر دو این رفیق تجربه دیکتاتوری خون‌آشام شاه را در زندگی خود داشتند. چرا که این رژیم، عزیزان هر یک از آنها را در سال خونین ۵۰ تیرباران و یا در درگیری کشته بود. رفیق حسین برادر رفقا جواد و کاظم سلاحی بود و رفیق خسرو، فامیل کارگر انقلابی هوشنگ ترگل بود که در ارتباط با گروه آرمان خلق در ۱۷ مهرماه سال ۱۳۵۰ تیرباران شده بود. چریک فدائی خلق جواد سلاحی در فروردین سال ۵۰ در جریان پخش اولین اعلامیه‌های چریک‌های فدائی خلق در تهران به شهادت رسیده بود و چریک فدائی خلق رفیق کاظم سلاحی پس از دستگیری و تحمل شکنجه همراه با رفیق احمد خرم آبادی در تیرماه-سرطان- سال ۱۳۵۰ توسط دژخیمان رژیم شاه تیرباران شده بود.

رفقاء خسرو ترگل و حسین سلاحی از جمله انقلابیونی بودند که پس از آغاز جنبش مسلحانه در فضای انقلابی که با این جنبش در جامعه به وجود آمد خود را متعهد می‌دیدند که به هر طریق ممکن به تداوم و پیشروی جنبش مسلحانه که آن را بحق در خدمت رهائی توده‌ها می‌دانستند خدمت کنند. واقعیت این است که با آغاز جنبش مسلحانه فضای سیاسی جامعه تحت تأثیر این جنبش دگرگون شد. شور و شوق مبارزاتی جای رکود و خمود قبلی بر مبارزات توده‌ها را گرفت و به تدریج دو مطلق حاکم بر روحيات توده‌ها که به قول رفیق امیرپرویز پویان ضعف خود را مطلق و قدرت دشمن را نیز مطلق تصور می‌کردند، جای خود را به اعتراض و مبارزه داد. در همان سال ۵۰ فضای مبارزاتی، قبل از همه در دانشگاه‌ها و در میان روشنفکران انقلابی نمود آشکار یافت. اما دیری نپائید که جوانان آزادی‌خواه و مبارز بسیاری از میان خانواده‌های زحمت‌کش و آگاه به سوی جنبش مسلحانه روی آوردند. به تدریج گروه‌های کوچکی شکل گرفتند که ضمن تلاش برای ارتباط با انقلابیون مسلح، خود مستقلاً به مبارزه مسلحانه با رژیم مبادرت می‌نمودند. برخی از این جوانان در راهی که چریک‌های فدائی خلق بنیان گذاشته بودند گام برداشتند، رفیق خسرو از جمله چنین انقلابیونی بود. رفیق خسرو ترگل در اوایل سال ۱۳۵۲ با رفیق حسین سلاحی در همدان آشنا شد و این آشنائی به تشکیل گروه کوچکی جهت مبارزه با رژیم دیکتاتور شاه منجر شد. این رفقاء به طور پیگیر با مطالعه آثار مارکسیستی و انقلابی به بالا بردن سطح آگاهی خود پرداخته و با ترتیب دادن برنامه‌های کوهنوردی در کوه‌های سرکش همدان به خودسازی می‌پرداختند. آنها در جریان این مطالعات و فعالیت‌ها به این نتیجه می‌رسند که برای ادامه مبارزه حتماً باید با چریک‌های فدائی خلق ارتباط بگیرند. در این مقطع آنها به فکر ربودن یک هواپیما در مسیر مشهد-تهران می‌افتند که با بردن آن به یک کشور خارجی بتوانند خواهان آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی شوند و هم در خارج از کشور امکان ارتباط با تشکیلات چریک‌های فدائی خلق را پیدا نمایند. با چنین فکری این دو یار انقلابی برای تهیه تدارکات لازمه، مصادره یک بانک را در دستور کار خود قرار می‌دهند و بانک صادرات شعبه جهان‌نما در همدان را برای این منظور شناسائی می‌کنند. متأسفانه طرح مصادره بانک با موفقیت توأم نمی‌شود.

واقعیت این است که انقلابیون در سال ۵۰ با کمترین امکانات موجود به وظیفه انقلابی که تاریخ بر عهده‌شان قرار داده بود عمل می‌کردند. این رفقاء نیز سلاح درست و حسایی در اختیار نداشتند و خود اقدام به درست کردن نارنجک کردند. در این مقطع، آنها در خانه امنی که داشتند به دلیل اشتباه، نارنجک دست‌سازشان منفجر می‌شود. در نتیجه مجبور به ترک خانه و رفتن به مشهد می‌شوند.

دو رفیق مصمم برای تداوم مبارزه مسلحانه علیه رژیم دیکتاتور شاه که بحق آن را عامل فقر و بدبختی توده وسیع مردم ایران می‌دانستند، در مشهد با مادر سلاحی تماس می‌گیرند و این مادر زحمت‌کش و آگاه با از خودگذشتگی تمام برای آنها پول تهیه کرده و قول تهیه شناسنامه برای حرکت‌های بعدی را به آنها می‌دهد.

در این فاصله رفیق خسرو به تهران رفته و خانه‌ای اجاره می‌کند اما به دلیل عدم داشتن تجربه نسبت به تاکتیک‌ها و اعمال دشمن، به همدان می‌رود تا از خانه‌ای که به دلیل انفجار نارنجک آنجا را ترک کرده بودند وسایلی را برای خانه جدید به تهران بیاورد. در حالی که با توجه به انفجاری که در آن خانه صورت گرفته بود پای ساواک به آن خانه باز شده و مأموران ساواک در آنجا کمین کرده بودند. بنابراین اقدام اشتباه رفیق خسرو در رجوع به خانه مذکور باعث می‌شود که وی در آنجا دستگیر شود.

به دنبال دستگیری رفیق خسرو دژخیمان ساواک وی را زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار می‌دهند. ساواک حتی تهرانی (بهمن نادری‌پور)، شکنجه‌گر معروف را از تهران به همدان می‌فرستد تا بر شکنجه رفیق خسرو نظارت کند و از تجربیاتش در امر شکنجه بتواند به اطلاعات او دست یابد. جسارت و بی‌باکی رفیق خسرو تا آن حد بود که علی‌رغم

همه شکنجه‌هایی که متحمل شده بود در جریان برده شدن به دادسرای ارتش و بیدادگاه‌های دیکتاتوری رژیم سلطنتی، یکبار خود را از یکی از پنجره‌های ساختمان دادسرای ارتش به بیرون پرتاب نمود. در جریان این امر با این که زخمی شده بود مبادرت به فرار نمود. اما به دلیل این که لباس زندان را به تن داشت و محل را نیز بدرستی نمی‌شناخت پس از عبور از نرده‌های دادسرای ارتش دستگیر گردید. او را به کمیته شهربانی که یکی از شکنجه‌گاه‌های رژیم شاه بود بردند و نزدیک به یک ماه او را تحت شکنجه و اذیت و آزار قرار دادند. تا این که خبر اعدام وی را در تاریخ ۳۱ خرداد سال ۱۳۵۴ در روزنامه خود اعلام کردند.

با اعدام رفیق خسرو طبقه کارگر یکی از فرزندان مبارز خود و جنبش مسلحانه یکی از پرشورترین یاران خویش را از دست دادند.

یاد رفیق خسرو ترگل گرامی و راهش پر رهرو باد!